

<https://www.aftabekherad.ir>

Social Preferences in Iran
(Change, Dimensions, Trends and Demands)

Reza Safari Shali

Assistant Professor, Department of Sociology, Kharazmi University (Former
Teacher Training)

Received: 2019/02/09

Accepted: 2019/03/13

Abstract

Different criteria and foundations intervene and affect the process of forming social preferences of different strata and classes or a society in general. Desirability and preferences in any society are affected by the cultural structure, ideological approaches and beliefs resulting from it, and social patterns governing social relations and relationships, which are formed, deepened and continued over time. A point that should not be overlooked is the role of environmental conditions and the communicative or objective space governing social, historical and political conditions, which can intervene in deepening or changing social preferences and desirability. In new eras and influenced by current factors and changes in communication technology, scientific innovations and extensive exchanges between nations, the attitudinal and motivational structures of the components of society have also undergone many changes and transformations. For various reasons, Iranian society has experienced inflammatory conditions over the past few decades that have caused shifts and changes in the hierarchy of values, patterns of association, and its value and motivational preferences. The question is, what types of preferences are prioritized in Iranian society in the current situation, and how and using what data can the process of change be explained?

This article seeks to reexamine the types of values, assumptions, and social and cultural preferences and analyze their direction by looking at national research in recent years. Although this article claims to analyze social change, it uses research data as a sign and indicator to explain and justify its preferences and pathological dimensions.

Keywords: Social preferences, preferences, social changes, social consensus, social change

ترجیحات اجتماعی در ایران (تغییر، ابعاد، گرایش‌ها و مطالبات)

رضا صفری شالی^۱

تاریخ پذیرش: ۱۳۹۷/۱۲/۲۲

تاریخ دریافت: ۱۳۹۷/۱۱/۲۰

چکیده

معیارها و بنیان‌های متفاوتی در روند شکل‌گیری ترجیحات اجتماعی اقشار و طبقات مختلف و یا یک جامعه بطور کلی مداخله و آن را از خود متأثر می‌سازد. مطلوبیت‌ها و ترجیحات در هر جامعه‌ای متأثر از ساختار فرهنگی، رویکردهای اعتقادی و باورهای ناشی از آن و الگوهای اجتماعی حاکم بر روابط و مناسبات اجتماعی است، که در روند زمان شکل گرفته، تعمیق و تداوم می‌یابد. نکته‌ای که نباید از نظر دور داشت، نقش شرایط محیطی و فضای ارتباطی و یا عینی حاکم بر شرایط اجتماعی، تاریخی و سیاسی است که می‌تولند، در تعمیق و یا تغییر ترجیحات اجتماعی و مطلوبیت‌ها مداخله نمایند. در ادوار جدید و متأثر از عوامل و تغییرات حاضر تکنولوژیک ارتباطی، نوآوری‌های علمی و بده‌بستان‌های پدیده‌ها بین ملل، ساختارهای نگرشی و انگیزشی اجزای جامعه نیز دستخوش تغییر و تبدل‌های بسیاری شده است. جامعه ایران به دلایل گوناگون ظرف چند دهه گذشته شرایط ملتهبی را تجربه کرده است که موجب جابجایی و تغییر در سلسله مراتب ارزش‌ها، الگوهای وفاقی، ترجیحات ارزشی و انگیزشی آن شده است. سؤال این است که در شرایط کنونی چه نوع مطلوبیت‌هایی در جامعه ایران اولویت یافته و روند تغییر آن چگونه و با استفاده از چه داده‌هایی قابل تبیین است؟

این مقاله در پی آن است با نگاهی به پژوهش‌های ملی سال‌های اخیر نوع ارزش‌ها، پنداشته‌ها و مطلوبیت‌های اجتماعی و فرهنگی را مورد بازکاوی قرار داده و جهت‌گیری آن را تحلیل نماید. اگرچه این مقاله مدعی تحلیل تغییر اجتماعی است اما از داده‌های پژوهشی به‌عنوان نشانه و شاخصی برای تبیین و توجیه ترجیحات و ابعاد آسیب‌شناختی آن بهره‌گیری می‌نماید.

کلیدواژه‌ها: ترجیحات اجتماعی، مطلوبیت‌ها، تغییرات اجتماعی، وفاق اجتماعی، تغییرطلبی اجتماعی

^۱. استادیار گروه جامعه‌شناسی دانشگاه خوارزمی (تربیت معلم سابق) - reza-safarishali@yahoo.com

مقدمه و بیان مسئله

ترجیحات اجتماعی^۱ در قالب ارزش‌های اجتماعی، ویژگی‌های اخلاقی و هنجاری، مطالبات، نیازها، مطلوبیت‌های فردی و اجتماعی خود را نشان می‌دهند، ارزش‌ها عناصر اساسی ترجیحات اجتماعی هستند که به فکر، احساس، مطلوبیت‌ها، خواسته‌ها، علایق و نهایتاً رفتار افراد جهت می‌دهند. آنچه بیش از همه بر زندگی افراد تأثیر می‌گذارد، ارزش‌ها است در واقع ارزش، عنصر و ملاک انتخاب و اعتقاد کلی فرد درباره رفتارهای مطلوب و نامطلوب، اهداف و حالت‌های غایی است و ارزش‌گذاری، یک فرایند فکری آگاهانه است که شامل ارزیابی‌گزینشی، بررسی عملی و محاسبه عقلانی درباره ایده‌ها، طرح ریزی و هدایت اعمال، مقایسه کردن خود با دیگران و مدیریت کردن بر تعاملات اجتماعی می‌شود. به صورت اجمالی می‌توان گفت که ارزش‌ها و مطلوبیت‌های اجتماعی، در میان مردم هر اجتماع یا گروهی مشترک‌اند و شمار کثیری از افراد درباره اهمیت آنان به توافق رسیده‌اند. ارزش‌ها در هر اجتماعی جنبه دستوری داشته و به قضاوت شخصی افراد بستگی ندارند. به همین دلیل در برابر تغییرات نسبتاً پایدارند. تغییر ارزش‌ها با گذر زمان و در طی مقاطع تاریخی صورت می‌گیرد. شوارتز^۲ به منظور ادراک و ارزیابی ارزش‌ها، نظریه «عمومیت محتوا و ساختار نیازهای اساسی»^۳ (۱۹۹۲) را مطرح کرده است. وی ضمن تعیین ویژگی‌های صوری و جوه رسمی ارزش‌ها، آنها را اهداف مطلوبی می‌داند که از نظر اهمیت با یکدیگر متفاوت می‌باشند و به عنوان اصولی هدایت‌کننده در زندگی افراد تلقی می‌شوند (sagir and Schwartz, 2000:178) شوارتز سه نوع نیاز جسمی و زیستی، نیاز به تعامل اجتماعی هماهنگ و نیازهای حیاتی و رفاه گروه را به عنوان پایه اهداف تمام بشر ذکر می‌کند و از این سه نیازمندی جهانی، ده گونه ارزش استخراج می‌کند. گونه‌های ارزشی ده گانه شوارتز، پیوستاری از ارزش‌های انگیزشی مرتبط به هم را تشکیل می‌دهند که باعث ساختار مدور ارزش‌ها می‌شود. شوارتز ۱۰ نوع ارزش را به شرح زیر از یکدیگر مجزا می‌کند. ۱. قدرت،

۱. Social Preferences .

۲. Schwartz .

۳. Theory of Universals in the Content & Structure of Basic Values..

۲. پیشرفت، ۳. لذت جویی، ۴. برانگیختگی^۱، ۵. خوداتکایی^۲، ۶. عام گرایی، ۷. خیرخواهی^۳، ۸. سنت، ۹. همنوایی^۴، ۱۰. امنیت (همان: ۱۸۰).

با مراجعه به سابقه تاریخی جامعه ایرانی، می‌توان متوجه شد که مردم این سرزمین با توجه به مقتضیات فرهنگی و اجتماعی، ترجیحات اجتماعی بسیار متنوع در حوزه‌های مربوط به خانواده، اجتماع، حکومت و... دارند، البته جامعه ایران در دهه‌های اخیر به واسطه بروز تحولات گسترده سیاسی، اجتماعی، فرهنگی و اقتصادی یکی از مهمترین دوران‌های خود را سپری کرده است. وقوع اتفاقات مهم و تغییرات گسترده در جامعه ایران، وقوع انقلاب اسلامی، جنگ ایران و عراق، توجه به برنامه‌های توسعه و تغییرات فرهنگی گسترده در سال‌های اخیر به دلیل همگانی شدن وسایل ارتباطی از قبیل ماهواره، اینترنت و... موجب شده که نسل‌های مختلف، تجارب و فضای اجتماعی کاملاً متفاوتی را تجربه کنند. شرایط ایران امروز در مقایسه با یک سده قبل از سویی به دلیل تحولات داخلی کشور و از سویی به دلیل تحت تأثیر قرار گرفتن از تحولات جهانی، بسیار متفاوت است و همین امر تجارب متفاوتی را برای نسل‌ها رقم زده است. هر کس که در جامعه ایران زندگی می‌کند، کم و بیش حسسی از دگرگونی را در سال‌های اخیر در خصوص انواع ترجیحات اجتماعی (نوع نیازها، مطالبات، اولویت‌ها و...) تجربه کرده است. وجود تفاوت در نوع زندگی و شرایط اجتماعی شدن برای هر یک از نسل‌ها ارزش‌های کم و بیش متفاوت را به همراه آورده است و این موضوع را می‌توان با مقایسه نسل دهه ۷۰ و ۸۰ با نسل متولدین پنجاه و قبل از آن مشاهده کرد.

این پژوهش قصد دارد به پرسش‌های زیر پاسخ بدهد:

- نیاز به تغییرات طلبی در جامعه ایرانی چگونه است؟
- وضعیت تمایلات و نیاز به تغییر در ایران به چه صورت است و چگونه صورت می‌گیرد؟
- چالش‌های امروزی تغییرات طلبی در ایران چگونه است؟
- زمینه‌های گفتمان تغییر به چه شکلی بوده است؟
- روند تغییرات در جامعه ایرانی سلبی یا ایجابی است؟

۱. Stimulation .
۲. Self-direction .
۳. Benevolence .
۴. Conformity .

۱- مباحث نظری

ترجیحات اجتماعی امروزه در قالب ترجیحات ارزشی و انواع نیازها و مطلوبیت‌ها خود را نشان می‌دهند، زیرا ارزش‌ها یکی از مهمترین اجزای نظام فرهنگی در سطح کلان و نظام شخصیت در سطح خرد هستند. در یک تعریف، می‌توان شخصیت را الگوی ویژه‌ای از صفات و یک صفت شیوه مداوم نسبی و قابل تمیز دانست که در یک فرد متفاوت از فرد دیگر است. بر اساس این تعریف، ارزش‌های یک فرد نیز یک زیرمجموعه از صفات است. اگر شخصیت را به مفهوم کلی آن، یعنی مجموعه صفاتی که باعث تشخیص یک فرد از افراد دیگر می‌شود، در نظر بگیریم، ارزش‌ها نیز مانند هوش و دیگر مظاهر تفاوت فردی، جزئی از شخصیت را تشکیل می‌دهند. اما تفاوت‌هایی بین صفات شخصیت و ارزش‌ها وجود دارد. صفات به عنوان توصیف‌هایی از الگوهای مشاهده‌شده در رفتار است، درحالی‌که ارزش‌ها ملاک‌هایی هستند که افراد برای قضاوت کردن مطلوبیت رفتار، افراد و رویدادها به کار می‌برند. صفات به‌طور نسبی ثابت‌اند، درحالی‌که ارزش‌ها متغیرند. ولی در اکثر تحقیقات، فرض شده که ارزش‌ها یک‌بار شکل می‌گیرند و در سرتاسر زندگی فرد ثابت باقی می‌مانند (Bilsky and Schwartz, 1994:163).

ارزش‌ها ایده‌ها و اعتقاداتی هستند که افراد با کمک و بهره‌گیری از آنها بین کنش یا ابژه خوب و بد (مطلوب یا نامطلوب) تمیز قائل می‌شوند. ارزش‌ها منبع تعاملات اجتماعی هستند و برای استقرار نظم اجتماعی اهمیت دارند؛ زیرا آنها فراهم‌کننده دستورالعمل‌هایی برای کنش و انتخاب بین بدیل‌های متفاوت قلمداد می‌شوند. ارزش‌ها و نگرش‌ها در طول زندگی و به واسطه پنداشت افراد از محیط فرهنگی و اجتماعی پیرامونشان آموخته و درونی می‌شوند. از این‌رو از رهگذر کسب آگاهی و گذر زمان دچار تغییر و تحول می‌شوند. کل نظم سیاسی، اجتماعی، اقتصادی و فرهنگی جامعه، اهداف مطلوب و اقدام در راستای دستیابی به آنها، تحت تأثیر ارزش‌ها و نگرش‌های اجتماعی رخ می‌دهد. آنها نمایانگر دامنه‌ای از لیده‌ها در مورد اهدافی‌اند که افراد بایلد در زندگی‌شان تعقیب کنند و اهداف یا مقاصد را برای اعضای یک جامعه به منظور تلاش انجام‌بخش نیز هستند و می‌توانند حس تعلق اجتماعی را افزایش دهند. علاوه بر این، ارزش‌های اجتماعی نشان‌دهنده میزان اشتراک ارزش‌ها در میان اعضای یک جامعه معین و همسویی این ارزش‌ها با مقررات و هنجارهای جاافتاده است. این امر تجسم ارزش‌های اجتماعی

هستند که افراد بدان پایبندند. ارزش‌ها بیان‌کنندهٔ اصلاحاتی هستند که لازم است در هنجارها و قواعد رفتاری موجود صورت گیرد؛ یعنی زمانی که ارزش‌ها با هنجارها و مقررات موجود همخوانی ندارند باید در راستای اصلاح و برطرف کردن این شکاف اقدام کرد تا بتوان انسجام اجتماعی را حفظ نمود. «نگرش» برخلاف ارزش، در کنار ارزش‌ها دارای وجه منفی نیز هست. نگرش‌ها بیانگر احساسات افراد در قبال چیزهای مختلف هستند و باعث می‌شوند که افراد در موقعیتی، واکنشی خاص از خود نشان دهند. نگرش‌ها قابل مشاهده نیستند و آنها را می‌توان از روی گرایش به اقدام یا واکنش (مثبت/خاص منفی) به پلیده‌ها شناخت که مبتنی بر ارزش‌ها هستند؛ یعنی ارزش‌ها هستند که مبنایی برای جهت‌گیری و تمایلات ایجاد می‌کنند و نگرش‌ها خود این جهت‌گیری‌ها و تمایل به نوع اقدام است. نگرش‌ها بیان ارزش‌ها هستند به واسطه آنچه ما می‌گوییم و یا بیان می‌شوند. به عبارتی بهتر، کنش‌ها مبتنی بر نگرش‌ها و نگرش‌ها مبتنی بر ارزش‌ها هستند. بدین گونه کنش‌ها به‌نوعی در پی عملیاتی کردن، حفظ و تداوم ارزش‌ها در جامعه هستند اما چنانچه در ارزش‌ها به واسطه پنداشت از محیط یا تحت تأثیر هر جهت کنش‌ها نیز تغییر کند؛ یعنی تعاریف مطلوب و نامطلوب، نگرش‌ها و در نتیجه، تغییراتی رخ دهد به تبع آن، عاملی دیگر برای افراد جامعه دچار دگرگونی و نظم جامعه نیز دست‌خوش تغییر خواهد شد (پیمایش ملی ارزش‌ها و نگرش‌های ایرانیان، ۱۳۹۵: ۱۱-۹).

۲- نگاهی به یافته‌های پژوهشی در ایران

در خصوص اینکه ترجیحات اجتماعی ایرانیان شامل چه مواردی است سعی گردید که از نتایج پیمایش‌های ملی که در چند سال اخیر انجام شده‌اند، استفاده گردد. در مورد رجحان‌های زندگی در پیمایش «بررسی وضعیت فرهنگی، اجتماعی و اخلاقی جامعه ایران (۱۳۹۵)» به بررسی برخی از مصادیق ارزش‌های مادی و فرامادی پرداخته شد، که نتایج آن به شکل زیر است:

جدول ۱: توزیع درصدی پاسخ به گویه‌های رجحان زندگی (ترجیحات زندگی)

میانگین	پاسخ معتبر	زیاد	ناحدودی	کم	رجحان زندگی
۳/۵۹	۸۱۷۰۱	۶۶/۹	۲۵/۴	۷/۷	داشتن مال و ثروت
۳/۳۰	۸۱۶۷۵	۴۹/۶	۳۱/۱	۱۹/۳	داشتن پست و مقام
۳/۸۸	۸۱۷۱۱	۹۰/۲	۷/۶	۲/۲	درستکاری و آبرو داشتن

۳/۲۲	۸۱۷۰۹	۴۶/۶	۲۸/۹	۲۴/۵	مشهور بودن
۳/۷۷	۸۱۶۹۱	۸۱/۳	۱۴/۲	۴/۵	خیر و کارگشا بودن
۳/۷۶	۸۱۶۷۶	۸۰/۶	۱۵/۲	۴/۱	علم و دانش داشتن
۳/۷۷	۸۱۶۲۷	۸۱/۸	۱۳/۴	۴/۸	دیندار و متدین بودن
۳/۸۹	۸۱۶۱۶	۹۱	۶/۶	۲/۳	عاقبت به خیر شدن

(منبع: پیمایش ملی وضعیت فرهنگی، اجتماعی و اخلاقی جامعه ایران، ۱۳۹۵: ۴۱)

در جدول شماره ۱: نتایج جدول فوق نشان می‌دهد که ارزش‌های فرامادی برای ایرانی‌ها همچنان اهمیت بیشتری دارد. به این معنی که عاقبت به خیر شدن با میانگین ۳/۸۹ و «درستکاری و آبرو داشتن» با میانگین ۳/۸۸ و دیندار و متدین بودن با میانگین ۳/۷۷ (با توجه به بازه ۱ تا ۴ است) از رتبه‌هایی بالایی برخوردار هستند. البته داشتن پست و مقام و داشتن مال و ثروت نیز به عنوان ارزش‌های مادی برای مردم مهم بوده ولی از رتبه پایین‌تری برخوردار هستند. به عبارت دیگر ترجیحات فرامادی بر ترجیحات مادی اولویت بیشتری داشته است. با نگاهی به سایر نتایج این مدعا روشن‌تر می‌شود، ارزش‌هایی مثل خیر و کارگشا بودن و داشتن علم و دانش با ۸۱ درصد گرایش مثبت گویای این واقعیت است که در جامعه ایران کماکان ارزش‌های فرامادی مثل علم و اخلاق بالاتر از ارزش‌ها و مطلوبیت‌هایی مثل داشتن پست و مقام (۴۹/۶) و داشتن شهرت (۴۶/۶ درصد) قرار دارد. حداقل بطور ذهنی با مقایسه این نتایج می‌توان استنتاج کرد که ارزش‌های ذهنی - اخلاقی، معنوی و بطور کلی ارزش‌های استعلایی جایگاه بالاتری از ارزش‌های مادی دارد.

اما در خصوص مهمترین عامل خوشبختی در زندگی، نتایج پیمایش ارزش‌ها و نگرش‌های ایرانیان (۱۳۹۵) نشان می‌دهد که سلامتی، خانواده خوب و بچه‌های صالح و خوب و آسایش و رفاه از ترجیحات مردم برای احساس خوشبختی می‌باشد.

جدول ۲: توزیع فراوانی مطلق و درصدی پاسخ به مهمترین عوامل خوشبختی

فراوانی درصدی	عوامل
۱۷/۲	سلامتی
۱۰/۸	خانواده خوب
۱۰/۳	بچه‌های صالح و خوب
۹/۹	داشتن مسکن
۹/۸	آسایش و رفاه
۸/۶	شغل

عوامل	فراوانی درصدی
درآمد مناسب	۷
پول و ثروت	۶/۳
همسر خوب و تفاهم در زندگی	۵/۶
علم و تحصیلات	۳/۵
ارزش‌های مذهبی	۳/۲
ارزش‌های اخلاقی	۱/۴
امنیت	۱/۳
ارزش‌های اجتماعی	۰/۸
ایمان به خود	۰/۲
سایر	۰/۳
جمع	۱۰۰

(منبع: ارزش‌ها و نگرش‌های ایرانیان، ۱۳۹۵: ۳۰-۲۷)

تعلق و عرق ملی نیز از جمله ترجیحات اجتماعی هستند که همواره مورد توجه صاحب‌نظران حوزه علوم اجتماعی می‌باشند. در پیمایش سرمایه اجتماعی (۱۳۹۷) به منظور سنجش عرق ملی پاسخگویان ۳ گویه (افتخار به ایرانی بودن، تمایل به مهاجرت از کشور و پیگیری اخبار کشور) در نظر گرفته شده بود که در این خصوص میزان عرق ملی برای ۲۶ درصد در حد کم، ۱۹/۵ درصد در حد متوسط و ۵۴/۵ درصد در حد زیادی ارزیابی شده است با توجه به توزیع نسبت‌ها، دامنه تغییرات (۳-۱۵) و میانگین بدست آمده (۱۰/۳۱)، باید گفت در مجموع تعلق و عرق ملی پاسخگویان در حد متوسط رو به بالا می‌باشد. نتایج حاصل از گویه‌های سازنده نیز نشان داد که ۱۲/۳ درصد در حد کم، ۲۰/۷ درصد در حد متوسط و ۶۷ درصد در حد زیادی به ایرانی بودن خود افتخار می‌کرده‌اند. همچنین نتایج حاصل از تمایل به مهاجرت به خارج از کشور گویای این مطلب بود ۴۲/۱ درصد بیان کرده‌اند که اگر امکان مهاجرت به یک کشور دیگر را داشتند برای این کار اقدام می‌کردند و در مقابل ۵۷/۹ درصد نیز بیان کرده‌اند تمایل به مهاجرت نداشته‌اند. نتایج حاصل از پیگیری اخبار کشور نیز نشان داد که ۲۳/۵ درصد از پاسخگویان در حد کم، ۳۷/۷ درصد در حد متوسط و ۳۸/۸ درصد در حد زیادی بیان کرده‌اند که اخبار کشور را پیگیری می‌کنند. گرچه این نتایج به ظاهر از شمولیت خوبی برخوردارند اما عدم افتخار ۱۲/۳ درصد به ایرانی بودن خود گویای این واقعیت است که در بخش‌هایی از جامعه نگرش‌هایی در حال رشد است که تأمل برانگیز

و ترجیحاتی در آنها در حال شیوع است که با معیارهای ملی انسجام و یگانگی اجتماعی به عنوان ارزش اساسی یکپارچگی ملی در تعارض است.

جدول ۳: توزیع فراوانی درصدی پاسخ به شاخص تعلق و عرق ملی

فراوانی درصدی	موارد
۲۶	کم
۱۹/۵	متوسط
۵۴/۵	زیاد
۱۰۰	جمع

(پیمایش سرمایه اجتماعی، ۱۳۹۷، وزارت کشور)

یکی از مهمترین ترجیحات اجتماعی رعایت ارزش‌های اخلاقی توسط مسئولین و مردم است، در پیمایش سرمایه اجتماعی (۱۳۹۷) به بررسی رعایت ارزش‌های اخلاقی در بین مسئولین و مردم پرداخته شده است که نتایج برخی از آن قابل توجه است.

ویژگی‌های اخلاقی و هنجاری مثبت شامل: عمل به قول و وعده‌ها، لیاقت و شایستگی، پاسخگویی، احساس مسئولیت و پایبندی به قانون.

ویژگی‌های اخلاقی و هنجاری منفی شامل: دروغگویی، کم‌کاری، سوءاستفاده از مقام، قوم و خویش بازی، بانندی عمل کردن و رفتار تبعیض‌آمیز.

لذا از مردم خواسته شد در مورد رایج بودن آنها بین مسئولان اظهار نظر نمایند.

جدول ۴: نظر پاسخگویان در مورد ویژگی‌های اخلاقی و هنجاری مسئولان

ردیف	ویژگی	(۱) خیلی کم	(۲) کم	(۳) تا حدودی	(۴) زیاد	(۵) خیلی زیاد
۱	دروغگویی	۳/۶	۳/۸	۲۳/۴	۳۳	۳۱/۷
۲	عمل به قول و وعده‌ها	۳۷/۸	۲۹/۶	۲۲/۶	۷/۱	۲/۹
۳	لیاقت و شایستگی	۲۸	۳۰/۳	۳۲/۲	۷/۶	۱/۹
۴	پاسخگویی	۳۱/۲	۳۴/۷	۲۵/۳	۶/۹	۱/۹
۵	کم‌کاری	۹/۹	۱۵/۷	۲۷/۱	۲۹/۵	۱۷/۸

۲/۹	۸/۴	۳۰/۹	۳۰/۶	۲۷/۲	احساس مسئولیت	۶
۲۷	۳۰/۸	۲۵/۸	۱۱/۲	۵/۱	سوء استفاده از مقام و موقعیت	۷
۳۲/۳	۳۰/۲	۲۳/۶	۹/۲	۴/۷	قوم و خویش بازی و بانندی عمل کردن	۸
۳/۷	۱۱	۳۶/۸	۲۸/۱	۲۰/۴	پایبندی به قانون	۹
۲۲/۹	۲۷/۴	۳۲	۱۲/۸	۴/۹	تبعیض و بی‌عدالتی	۱۰

نتایج این پژوهش گویای این واقعیت است که بخش‌هایی از جامعه نسبت به رویکرد و کارکرد برخی از مسئولین دچار نوعی حس بدبینانه شده‌اند. این بی‌اعتمادی نسبی به‌ویژه در شاخص‌هایی مثل دروغ‌گویی (۶۴/۷ درصد) و ترجیحات خاص گرایانه قوم و خویش بازی و باندبازی (۶۲/۵ درصد) نسبت به مسئولین، گرچه ممکن است با واقعیت انطباق نداشته باشد، اما در ذهنیت مردم این نوع پنداره‌ها شکل گرفته است که مسئولین در حد انتظارات جامعه ارزش‌ها، ترجیحات و مطلوبیت‌های اجتماعی را رعایت نکرده و رفتار آنها نافی انتظارات اجتماعی است. یکی از بزرگ‌ترین ارزش‌ها که می‌تولند نقش زیادی در ایجاد سامان، نظم و پایداری اجتماعی داشته باشد قانونمندی و پایبندی به قانون است. همگان انتظار دارند نهادهای رسمی به‌ویژه مسئولین و کسانی که مدیریت کلان کشور را عهده‌دار هستند خود منادی قانون و بیش از همگان ملتزم به قانون باشند، اما نتایج این پژوهش نشان می‌دهد که ۴۸/۵ درصد از مردم با نسبت‌های متفاوت معتقدند مسئولین در حد انتظار عمومی خود را ملزم به رعایت قانون نمی‌دانند. این ذهنیت بطور قطع یک تولید فردی و یا اجتماعی است، چرا که مردم پایبندی واقعی مسئولین به قانون را در عرصه زندگی فردی یا سازمانی ندیده‌اند، اما در نتیجه برخی روندهای اجتماعی و یا نوع تبلیغات و واکنش‌های جریان‌های سیاسی و یا انعکاس برخی اخبار مربوط به پرونده‌های فساد اقتصادی این ذهنیت را در مردم تقویت کرده است که مسئولین یا برخی از مسئولین، رعایت کننده قانون نبوده و از نگاه مردم یا بخش‌هایی از جامعه این ارزش بنیادین ملحوظ واقع نمی‌شود. صرف‌نظر از اینکه این ذهنیت کاذب باشد یا صادق از نظر نتایج رفتاری واجد کارکردهای یگانه‌ای است. مردم از سویی انتظار دارند قانون به‌عنوان یک ارزش و ترجیح اجتماعی ملاک رفتارها و تعاملات اجتماعی باشد از سوی دیگر برخی از منادیان و مجریان قانون را با نگاه بدبینانه مورد ارزیابی قرار می‌دهد. این فاصله بین ترجیح اجتماعی و پنداشت از

واقعیت رفتاری مسئولین گویای شکاف نظر بین انتظارات و واقعیت است که از نگاه تحلیلی می‌تواند نتایج ارتباطی و ذهنی گوناگونی را در پی داشته باشد. از نگاهی دیگر این نوع ذهنیت‌ها افزایش فاصله ذهنی مردم یا بخش‌هایی از مسئولین به دلیل تمایز در ترجیحات را در پی داشته و خود به عاملی برای شکاف ارزشی تبدیل شود.

۳- ارزیابی از الگوهای اخلاقی و رفتاری جامعه

در پیمایش ملی، مجموعه‌ای از ارزش‌ها و ویژگی‌های اخلاقی و هنجاری برای پاسخگویان مطرح و از پاسخگویان درخواست شده است با توجه به ارزیابی و شناختی که از وضعیت جامعه دارند، درباره میزان رواج و وجود هر یک از مؤلفه‌های مذکور اعلام نظر نمایند. نوع پنداشت از جامعه، خود از یک سو فرافکنی درونی نسبت به این مختصات است و از سوی دیگر پنداشته‌هایی را بازنمایی می‌کند که در ذهنیت عمومی جریان دارد و می‌تواند روابط و الگوگزینی آنان را تحت تأثیر قرار دهد. در جدول زیر توزیع درصدی نظر پاسخگویان در مورد هر ویژگی نشان داده شده است.

جدول ۵: توزیع درصدی ویژگی‌های اخلاقی و هنجاری بین مردم

ردیف	ویژگی	(۱) خیلی کم	(۲) کم	(۳) تاحدودی	(۴) زیاد	(۵) خیلی زیاد
۱	دروغگویی	۳/۱	۸	۲۲/۶	۳۵/۹	۳۰/۵
۲	گذشت	۱۷/۸	۲۹/۴	۳۶/۲	۱۳/۴	۳/۱
۳	تظاهر و دورویی	۳/۲	۱۰/۹	۳۰/۳	۳۴/۴	۲۱/۲
۴	احترام به دیگران	۱۱/۲	۲۴/۱	۴۴/۷	۱۶/۵	۴/۳
۵	خیرخواهی و کمک به یکدیگر	۱۰/۲	۲۳/۷	۴۲/۷	۱۹/۳	۴
۶	رعایت حقوق دیگران	۱۲/۳	۲۷/۱	۴۳/۹	۱۳/۹	۲/۷
۷	فريب و تقلب	۴/۱	۱۰/۶	۲۶/۴	۳۴	۲۴/۹
۸	تعاون‌گرایی	۱۲/۴	۲۹	۴۲/۵	۱۳/۴	۲/۶
۹	وجدان کاری	۱۷/۷	۳۴/۸	۳۴/۶	۱۱	۲
۱۰	خودخواهی و حسادت	۴/۳	۱۴/۵	۳۲/۶	۳۶/۲	۱۲/۴
۱۱	امانت‌داری و	۱۱/۳	۲۶	۴۶/۱	۱۳/۷	۲/۹

					وفای به عهد	
۲/۶	۱۱/۳	۳۸/۲	۳۲	۱۵/۹	انصاف	۱۲
۲۰	۳۴	۲۷/۲	۱۴/۱	۴/۷	نامیدی	۱۳
۱۹/۳	۳۶/۹	۲۸/۱	۱۱/۶	۴/۱	حرص و ولع	۱۴
۱۴/۱	۲۹/۸	۳۷/۴	۱۴/۳	۴/۴	قانون‌گریزی	۱۵
۳/۱	۱۰/۳	۴۱/۶	۲۹/۸	۱۵/۲	وقت‌شناسی	۱۶

(پیمایش سرمایه اجتماعی، ۱۳۹۷ وزارت کشور، صص ۴۵۷-۴۵۶)

همانگونه که در جدول مشخص است درباره برخی شاخص‌ها نگاه بدبینانه و ارزیابی منفی از جامعه در ذهنیت پاسخگویان وجود دارد. حدود ۶۶ درصد اعلام کرده‌اند دروغ‌گویی در حد زیاد و خیلی زیاد در بین مردم رواج دارد. در نقطه مقابل تنها ۱۶/۵ درصد معتقدند گذشت و ایثار در بین مردم جریان دارد.

درباره برخی صفات منفی دیگر مثل دورویی ۵۵ درصد آن را در جامعه ایران زیاد ارزیابی کرده‌اند و تنها ۱۴ درصد نظری عکس آن دارند. درباره فریب و تقلب، ۵۹ درصد آن را در جامعه ایران زیاد و خیلی زیاد ارزیابی و ۱۴/۷ درصد آن را نفی کرده‌اند، حرص و ولع توسط ۵۶ درصد و ناامیدی از جانب ۵۴ درصد از پاسخگویان این پژوهش به‌عنوان صفات امروزمین جامعه ایران معرفی شده است. نکته جالب توجه پایین بودن درصد کسانی است که معتقدند جامعه ایران از صفات مثبت برخوردار است. امانتداری مورد تأیید ۳۷ درصد از مردم قرار گرفته و «احترام به دیگران» تنها از جانب ۳۵ درصد در حد زیاد و خیلی زیاد در جامعه ایران ارزیابی شده است. تنها حدود ۱۹ درصد تأکید کرده‌اند در جامعه ایران قانون‌گریزی کم است در نقطه مقابل ۴۴ درصد آن را زیاد و خیلی زیاد و ۳۷/۴ درصد نیز آن را متوسط ارزیابی کرده‌اند. برخی نکات و ارزیابی‌هایی نیز وجود دارد که از نظر جامعه‌شناختی قابل توجه است. برای مثال حدود ۵۲ درصد اعلام کرده‌اند وجدان کار در جامعه ایران کم و خیلی کم است و تنها ۱۳ درصد آن را زیاد ارزیابی کرده‌اند. همچنین ۴۱ درصد معتقدند سطح تعاون در ایران ضعیف و تنها حدود ۱۶ درصد آن را زیاد ارزیابی کرده‌اند. در مجموع با توجه به نتایج بدست آمده می‌توان تأکید کرد نوعی بدبینی نسبتاً زیاد در جامعه ایران از پایبندی مردم به اصول و خصائل اخلاقی مشاهده می‌شود که قطعاً واجد کارکردهای منفی بسیاری است. از آن جمله

است:

- ۱- سطح همگرایی بین مردم را کاهش می‌دهد.
- ۲- کنش‌های ارتباطی و تأییدآمیز را منع می‌نماید.
- ۳- سطح تعاون و همکاری را کاهش می‌دهد.
- ۴- سطح مشارکت، و کنش‌ها و روابط انجمنی را تقلیل می‌دهد.
- ۵- روابط گفتمانی در جامعه را با محدودیت‌های بسیاری مواجه می‌سازد.
- ۶- کنش‌های فردگرایانه را تعمیق می‌بخشد.

۴- علت وقوع تغییرات اجتماعی

صاحب‌نظران معمولاً مواردی چون ارتباطات اجتماعی، تغییرات جمعیتی، تضاد اجتماعی، جبر اقتصادی، نوآوری و نظام قانونی را به عنوان عوامل مؤثر در ایجاد تغییر اجتماعی نام می‌برند، برخی از صاحب‌نظران همچنین فشارهای ساختاری را یکی از عوامل تغییر اجتماعی می‌داند. از نظر واگو (۱۳۷۳) فشار ساختاری عبارت است از اختلاف میان دو یا چند عنصر نظام اجتماعی که می‌توان برای آن دلایل زیر را ذکر کرد: عدم تعادل جمعیتی، بی‌هنجاری، طغیان به عنوان عکس‌العملی در برابر فشار، وجود کمبودهایی در جامعه، ابهام در انتظارات و نقش‌ها، تعارض میان نقش‌ها، فاصله میان آرمان و واقعیت و ناسازگاری با نظم اخلاقی، تضاد در ارزش‌ها.

معمولاً تغییر بخش جدایی‌ناپذیر هر جامعه است، تغییرات در اشکال مختلف به شکل نسلی و حتی با توجه به ملاحظات مربوط به پایگاه اقتصادی، اجتماعی، طبقه و... صورت می‌گیرد. در طول چند دهه، دگرگونی‌های بزرگی در جامعه ایران روی داده و جامعه‌ای متفاوت را شکل داده است. ابعاد این تغییر بسیار گسترده است و از تغییر ساختار روانی و ارتقاء آگاهی فردی گرفته تا تعمیق ساختار نهادین جامعه را شامل می‌شود. برای نمونه حساسیت زیست‌محیطی که تا چند سال پیش دغدغه متخصصان و کارشناسان بود و کمتر با زندگی مردم مرتبط بود، امروز به نحوی به آگاهی فردی و جمعی راه‌یافته و به مسئله‌ای اجتماعی تبدیل شده است. سبک زندگی مردم ایران تاحدی زیادی تغییر یافته است. اینها نشان می‌دهند که تغییرات مختصه

بنیادین هر اجتماع بشری است و جامعه ایرانی نیز از این امر مستثنی نیست.

جهت فهم و درک این تغییر و نیاز اجتماع به تحول، آنطور که جامعه‌شناسان کلاسیک از جمله دورکیم و غیره از شرایط تکان از یک جامعه سنتی و خیز به یک جامعه مدرن با سبک زندگی متفاوت را بیان کردند، در ایران هم این امر نمود یافته است. از جمله مهمترین وجه تغییرات را در حوزه مصرف فرهنگی می‌توان درک کرد. کالاهایی که در منازل مردم مورد استفاده قرار می‌گیرد، نشان‌دهنده تغییر در شیوه مصرف است. شهرنشینی، افزایش سواد و رشد رسانه‌ها، این تغییرات را در سطح کلان نشان می‌دهند. نهادهای اجتماعی هم از این دگرگونی برکنار نمانده‌اند و تغییراتی بیش و کم و با درجات متفاوت در خانواده، حیات دینی، عرصه سیاست و اقتصاد روی داده است. افراد برحسب تجربه شخصی وقوع این تغییرات را حس و گاهی با تعبیر و جملاتی حاکی از حسرت گذشته از آن یاد می‌کنند؛ تغییراتی وسیع، همه‌جانبه و فراگیر که وجوه مختلف زندگی ما را از شخصی‌ترین وجه تا عمومی‌ترین آن در بر گرفته است. یکی از نمودهای ترجیحات ارزشی ایرانیان در زمینه هنجارهای اجتماعی و خانوادگی است. فردگرایی و کاسته شدن از ویژگی جمع‌گرایانه و حس نوع‌دوستی یکی از نمودهای تغییرات در ترجیحات جامعه ایرانی است. به این معنا که فرد در دوراهی‌های زندگی، انتخاب خود را بیشتر بر اساس ترجیحات فردی، سلیقه‌ها و منافع فردی انجام می‌دهد. سنت‌های پیشین، بزرگ‌ترها و سایر مرجعیت‌های اجتماعی رفته‌رفته جای خود را به انتخاب‌های فردی داده‌اند. اگر فردگرایی را از زاویه پیوندهای اجتماعی تعریف کنیم، می‌توان گفت در فرهنگ‌ها یا جوامعی که فردگرایی، ارزش مسلط است، فرد بیشتر به منافع خود و افرادی مانند اعضای خانواده می‌اندیشد که در شعاع محدود رابطه با آنها قرار دارد، درحالی که در فرهنگ‌های جمع‌گرا، فرد به منافع گروه‌های بزرگ‌تری که به آن تعلق دارد، حساس است. اگر شعاع اعتماد اجتماعی محدود باشد، انتظار می‌رود توجه به منافع خود و گروه‌های کوچک و خاص نسبت به جامعه بزرگ‌تر در مرتبه‌های نخست ترجیحات فرد قرار داشته باشد.

از جمله عوامل بسیار مهمی که به‌ویژه تغییرات نامتوازن را در جامعه ایران سبب گردیده است، عدم همگرایی رویکردی، گفتمانی و نظری جریان‌های فرهنگ‌ساز، سازمان‌های فرهنگی و اجتماعی و بازیگران اصلی این عرصه است. تمایزات نظری و گفتمانی این جریانات که هر یک با استفاده از ظرفیت‌های گوناگونی که در اختیار دارند، روندهای اجتماعی ایران را متأثر از الگوهای گفتمانی خود می‌نمایند، سبب گردیده است پژواک صدا و اندیشه آنان در عرصه

عمومی واجد کارکردهایی باشد که توازن فرهنگی و یگانگی گفتمانی را در سطح جامعه دچار چندگانگی می‌نمایند. برای مثال در زمینه نگاه به تجدد نوع نگرش در بین جریان‌های متفاوت را می‌توان در چهار جریان گونه‌شناسی کرد:

۱- منادیان و مروجان تجدد و مدرنیسم که آن را در قالب یک گفتمان مرجع در جامعه ایران ترویج می‌نمایند.

۲- تجدد پذیران شامل کسانیست که علیرغم حفظ و پافشاری به فرهنگ خودی و نوعی انطباق‌یابی با فرهنگ مدرن را مورد توجه و تأکید قرار می‌دهند.

۳- تجددگریزان: این دسته علیرغم اینکه از در ستیزش با فرهنگ تجدد و مدرنیته در نمی‌آیند اما تأکید آنان به سنت‌هایی است که ریشه در تاریخ، فرهنگ و هویت بومی، ملی و دینی دارد.

۴- تجددستیزان: شامل آن دسته از جریانات و شخصیت‌های فرهنگی است که زیرساخت‌های گفتمانی تجدد را در تعارض با اولویت‌ها و ترجیحات فرهنگی و دینی خود ارزیابی و از در تقابل و نقد بنیادین آن بر می‌آیند.

این چهار جریان که خود همراه با خرده جریان‌های گوناگونی در جامعه حضور و انعکاس و اندیشه‌های خود را ترویج می‌نمایند، منادیان و پیروان متفاوتی را می‌یابند که آبشخورهای معرفتی گوناگونی را می‌یابند. تمایزات گفتمانی این جریانات لثار کارکردی خود را در عرصه عمومی بر جای گذاشته و باعث تفکیک‌پذیری فزاینده فرهنگی و معرفتی می‌گردد که خود منشأ تغییر در فرهنگ و ترجیحات اقشار متفاوت اجتماعی می‌گردد. عامل دیگری که نقش مؤثری در تغییرات اجتماعی - فرهنگی به‌ویژه در دهه‌های اخیر داشته است، نقش رسانه و مصرف رسانه‌ای جامعه است. تکرر و تنوع رسانه‌ای، بیرونی شدن مرجع رسانه‌ای، تمایزات گفتمانی و فرهنگی نظامات رسانه‌ای، به‌ویژه شکل‌گیری امپراطوری رسانه‌ای که از قدرت و نفوذ بین‌المللی برخوردار گردیده است، باعث گردیده رسانه به یک مرجع بزرگ معرفتی و اجتماعی تبدیل گردیده و منشأ تغییرات گسترده‌ای در نظامات فکری، الگوهای زیست جمعی، عادت‌واره‌ها، الگوهای رفتاری و ترجیحات اجتماعی گردد. این در حالی است که آموزش در ایران مسیر رو به رشدی هم از جهت پوشش به اقشار و طبقات متفاوت و هم به لحاظ عمق و گسترده‌ای که در جامعه ایران یافته به یک مرجع بزرگ تغییر، تبدیل شده است. آموزش‌های رسمی و غیررسمی به‌گونه‌ای در جامعه ایران گسترش

یافته است که انواع آموزش‌ها، مهارت‌ها، تمایلات و انگیزش‌ها را در جامعه ایران ترویج و منشأ تغییرات ذهنی و گفتمانی گوناگونی شده است. ترویج علوم، رشته‌های علمی، تئوری‌ها و نظریات گوناگون، به‌ویژه در حوزه علوم انسانی، بخش زیادی از نسل‌های جدید را در معرض تفکرات، اندیشه‌ها، نظامات فکری و فلسفی گوناگونی قرار داده است که پنداشته‌های فرهنگی آنان در تصویر و تفسیر مسائل اجتماعی و الگوهای ارتباطی و ادراک از زیست فردی و جمعی را از آنچه در گذشته جریان داشته، متمایز ساخته است.

عوامل دیگری مثل تمایزات اجتماعی، رسوخ و نفوذ جریان‌ات سیاسی و قومی در سطح کشور، فعالیت و دخالت جریان‌های اقتصادی و بطور کلی تحولات اقتصادی، صنعتی و سرمایه‌ای دامنه فعالیت و تولید فراورده‌های هنری و فرهنگی و تکثر این نوع جریان‌ات در عرصه‌های متفاوت، تغییر و تنوع خرده جریان‌ات قومی - مذهبی و... از جمله بازیگران و عواملی است که منشأ ایجاد تغییرات در جامعه ایران هستند.

۵- وضعیت تمایلات و نیاز به تغییر در ایران

در خصوص تمایلات به تغییر، باید گفت که با توجه به گسترش شبکه‌های اجتماعی و ارتباطات جهانی و تعدد گروه‌های مرجع و بالا رفتن سطح تحصیلات و گسترش مدرنیته، تمایل به تغییر در بین گروه‌های سنی و جنسی مختلف، خصوصاً در بین جوانان افزایش یافته است، خصوصاً در بین زنان جوان این تمایل به تغییر بیشتر است، آلن تورن جامعه‌شناس فرانسوی بیان می‌کند که میل به تغییر در بین زنان جوان ایرانی بسیار بالاست، زیرا آنها مدرنیته و شاخص‌های آن را به نفع خود می‌دانند. در جامعه ایرانی، در بسیاری از شاخص‌های زندگی فردی و اجتماعی، تغییرات کم‌وبیش گسترده‌ای رخ داده است؛ به‌عنوان مثال سن ازدواج افزایش پیدا کرده است و تمایل به فرزند آوری در بین خانواده‌ها کاهش یافته است و زوج‌های جوان دوست دارند بعد از ازدواج مستقل زندگی کنند و در سال‌های اخیر در خصوص نام‌گذاری فرزندان تمایل به انتخاب اسامی ایرانی در مقایسه با اسامی اسلامی رو به گسترش است. گرچه هنوز بیشترین اسامی پسران و دختران کماکان اسامی دینی است. اما روند تمایل به اسامی ایرانی و مدرن و به‌ویژه در بخش‌های مدرن‌گرای طبقه متوسط رو به افزایش است. بنابراین متعاقب آن تغییرات در ساختارهای ارتباطی و اجتماعی و تغییر در حوزه فکری و فرهنگی

اجتناب‌ناپذیر به نظر می‌رسد^۱ (منبع: ارزش‌ها و نگرش‌های ایرانیان، ۱۳۹۵).

البته به لحاظ نظام تصمیم‌گیری در خانواده‌ها نیز در چند سال اخیر تغییراتی ایجاد شده است، بر اساس یافته‌های طرح ارزش‌ها و نگرش‌های ایرانیان (۱۳۹۵) در ۳۱/۳ درصد خانواده‌ها تصمیم‌گیری با پدر/ شوهر است، ۲/۸ درصد با زن/ مادر خانواده، ۲۰ درصد پسر ارشد و ۴۳/۳ درصد توسط همه اعضا است. یافته فوق حاکی از تغییرات گسترده در نظام تصمیم‌گیری ایرانیان در عرصه نظام خانواده است. به تعبیری حاکی از حرکت از یک خانواده سلسله‌مراتبی و سستی، که نقش پدر در آن پررنگ است به سمت یک زندگی اجتماعی‌تر، اقناعی و مشورت‌محور است. همان‌طور که «نیل اسملسر» (صاحب‌نظر مکتب‌نوسازی) جریان تغییرات^۲ در حوزه خانواده را به مهم شدن امر مشارکت در امور خانواده و تصمیم‌های جمعی می‌داند، در اجتماع خانواده ایرانیان این مسئله نمایان است.

در الگوی «دانیل لرنر»، چهار مرحله برای تغییرات اجتماعی مطرح است. وی با طرح نظریه «گذر از نظام سستی، نوسازی خاورمیانه» بر اساس تحقیق و پژوهش خود در کشورهای ایران، ترکیه، مصر، سوریه، اردن و لبنان، نتیجه می‌گیرد: «ارتباطات جمعی عامل مهم تحرک جوامع «سستی» و تبدیل انسان‌ها از حالت سستی به متجدد می‌باشد. وی در این زمینه، تحرک جغرافیایی، سوادآموزی، استفاده از رسانه‌های جمعی و مشارکت اقتصادی و سیاسی را مهمترین مراحل نوسازی کشورهای جهان سوم به‌ویژه ایران معرفی می‌نماید (لرنر، ۱۳۸۳). بر این اساس می‌توان گفت که جامعه ایرانی نیز در اثر نوسازی در عرصه‌های گوناگون اقتصاد، اجتماعی، سیاسی و فرهنگی و تشدید نقش رسانه‌های جمعی و تغییر در سرمایه فرهنگی، نوع نگاهشان به هنجارهای زندگی تغییر یافته است.

۶- چالش‌های امروزی تغییر طلبی و تغییرات اجتماعی در ایران

چالش‌های تغییر طلبی امروزه در عرصه‌های مختلف خود را نشان می‌دهد، از جمله این چالش‌ها مربوط به تعدد گروه‌های مرجع است. امروزه در فرایند جامعه‌پذیری اختلال ایجاد شده

۱. آمار ثبت احوال نشان می‌دهد هنوز اسامی همچون محمد، فاطمه، زهرا در صدر قرار دارد، لذا به نحوی به این مسأله اشاره شود.

۲. سنی را در مقابل دموکراتیک، اقناعی و مشورتی قرار دادن یک نوع ترجیح ارزی است، تغییر (سلسله‌مراتبی- جمعی).....

است، به طوری که بجای اینکه گروه‌های مرجع افراد حالت طولی داشته و براساس پایگاه برون نسلی صورت گیرد و نوجوانان و جوانان از افراد با گروه سنی بالاتر (که دارای موفقیت در یک عرصه اجتماع پسند بوده‌اند)، را به عنوان الگو بپذیرند، معمولاً الگوی مرجع پذیری حالت درون نسلی و عرضی پیدا کرده، به طوری که یک جوان در یک گوشه‌ای از دنیا در یک حرفه‌ای مثلاً موسیقی، الگوی جوانان کشورهای دیگر با زمینه‌های اجتماعی و فرهنگی متفاوت را به عنوان مد و الگو می‌پذیرد و همین موضوع چالش‌های فرهنگی و اجتماعی در بین جوانان و خانواده‌ها ایجاد می‌کند.

نکته‌ای که باید مدنظر قرار گیرد نقش چالش‌هایی است که مقدمه تغییر اجتماعی در جامعه ایران هستند، چالش‌هایی که کارکرد آنها بطور اجتناب‌ناپذیر آثاری بر جامعه و اجزای آن دارد که تغییر در رویکردها، کنش‌ها، روابط و ترجیحات اجتماعی از جمله این پیامدها است. بر طبق «پیمایش وضعیت مسائل و آسیب‌های اجتماعی در کشور» (۱۳۹۴) اصلی‌ترین مشکل جامعه یا آسیب اجتماعی از نگاه شهروندان، مشکل اشتغال (۴۱ درصد) و مشکلات اقتصادی (تورم، فقر) (۳۸ درصد) است که به عنوان درخواست اولویت دار همواره از طرف مردم نیز مطرح است. و این چالش‌ها هم کنش‌های فردی را تحت تأثیر قرار داده و هم کنش‌های خانوادگی و جمعی را. مهاجرت، آسیب‌های روانی، آسیب‌های رفتاری از پیامدهای آن است. یعنی مردم خود بیان می‌دارند که این چالش در قامت یک مشکل اجتماعی اولویت‌دار و روابط و رفتار اجرای جامعه را تحت تأثیر قرار می‌دهد.

به تعبیر دیگر مهمترین دغدغه‌ای که ذهن، رفتار، روابط و تمایلات اجزای جامعه را تحت تأثیر قرار داده مسائل اقتصادی، مثل بیکاری و مشکلات اقتصادی است. این نوع دغدغه‌های اولویت‌دار، ناخودآگاه اجزای جامعه را به سوی تجدیدنظرهای نگرشی، انگیزشی و تمایلات رفتاری سوق می‌دهد. توجه به آینده فرزندان که بیش از ۱۷ درصد از کل جامعه بر آن پافشاری کرده‌اند، پدیده‌ای بسیار اثربخش است که به‌ویژه با توجه به فرهنگ جامعه ایران نقش بسیار زیادی در انتخاب کنش و ترجیحات اجتماعی دارد. مجموع دغدغه‌های بیان شده در جدول گویای این واقعیت است که عوامل گوناگونی ذهن و ضمیر مردم ایران را تحت تأثیر قرار داده است که رفتار و روابط آنها را به جهت خاص و غیرهمگرایانه سوق می‌دهد (مقایسه شود جدول ۶).

جدول ۶: توزیع درصدی مهمترین نگرانی و دغدغه فرد در زندگی

نگرانی و دغدغه	فراوانی	درصد	درصد معتبر	درصد تجمعی
بیکاری	۲۱۲۴۰	۲۵/۷	۲۷/۳	۲۷/۳
مشکلات اقتصادی	۱۶۵۲۴	۲۰/۰	۲۱/۳	۴۸/۶
آینده فرزندان و ارزش‌های خانوادگی	۱۴۳۷۴	۱۷/۴	۱۸/۵	۶۷/۱
مسکن	۴۵۳۳	۵/۵	۵/۸	۷۳/۰
مسائل بهداشتی و درمانی	۲۸۹۴	۳/۵	۳/۷	۷۶/۷
مسائل آموزش و علمی	۲۸۹۳	۳/۵	۳/۷	۸۰/۴
هیچ مشکل و نگرانی ندارم	۲۶۱۳	۳/۲	۳/۴	۸۳/۸
ازدواج	۲۳۱۳	۲/۸	۰/۳	۸۶/۸
نگرانی از آینده	۲۲۰۹	۲/۷	۲/۸	۸۹/۶
فقر و نبود امکانات رفاهی	۲۰۵۱	۲/۵	۲/۶	۹۲/۲
مشکلات فرهنگی	۸۷۳	۱/۱	۱/۱	۹۵/۷
مشکلات زیست محیطی	۷۹۶	۱/۰	۱/۰	۹۶/۷
ناامنی و وجود جرم و جنایت	۶۶۵	۰/۸	۰/۹	۹۷/۶
مشکلات شهری (حوزه ترافیک، مبلمان، زیرساختها و...)	۶۳۷	۰/۸	۰/۸	۹۸/۴
اعتیاد، مواد مخدر و دخانیات	۳۴۱	۰/۴	۰/۴	۹۸/۹
عملکرد دولتی - اداری	۲۸۹	۰/۴	۰/۴	۹۹/۲
تبعیض و نابرابری	۱۳۹	۰/۲	۰/۲	۹۹/۴
روابط خارجی	۱۳۰	۰/۲	۰/۲	۹۹/۶
طلاق	۱۱۵	۰/۱	۰/۱	۹۹/۷
مهاجرت	۱۱۳	۰/۱	۰/۱	۹۹/۹
اختلاف و چند دستگی	۱۰۱	۰/۱	۰/۱	۱۰۰/۰
سایر موارد	۱۸۲۳	۲/۲	۲/۳	۹۴/۶
پاسخ معتبر	۷۷۶۶۶	۹۴/۱	۱۰۰	-
بدون پاسخ	۴۸۳۴	۵/۹	-	-
جمع	۸۲۵۰۰	۱۰۰	-	-

(منبع: طرح وضعیت فرهنگی، اجتماعی و اخلاقی جامعه ایران، ۱۳۹۵، وزارت کشور و وزارت

فرهنگ و ارشاد اسلامی)

بحث و نتیجه‌گیری

درباره ترجیحات اجتماعی در ایران مطابق پیمایش‌های ملی صورت گرفته هم ویژگی منفی و هم مثبت دیده می‌شود. به این معنی که روند تغییرات اجتماعی مطابق نتایج نوشتار حاضر، نشان از این دارد که هر چند برخی از ارزش‌های فرامادی جایگاه و اولویت بالاتری در مقایسه با ارزش‌های هادی برخوردار هستند و به عبارتی از رجحان بالاتری در بین مردم برخوردارند. اما در بخشی از جامعه به مرور روحیه فردگرایی و جایگاه پول و ثروت به عنوان یک پارامتر مهم در احساس خوشبختی و از طرف دیگر در حذف احساس بدبختی به شدت حاکم شده، حوزه فعالیت افراد به شدت از یکدیگر تفکیک شده، روابط به صورت رقابتی و به منظور نیل به سود فردی یا گروهی است، روابط اجتماعی مبتنی بر کارایی و عقلانیت ابزاری و خالی شدن از روابط عاطفی و صمیمی، تغییرات در نظام خانواده در حوزه تصمیم‌گیری و زندگی جمعی، همه از ویژگی تغییرات در حوزه ترجیحات اجتماعی در ایران است. به این معنی که روابط اجتماعی عموماً به سمت حالت اکتسابی در حوزه‌های مختلف پیش رفته است.

از بُعد سلبی نیز اگر بخواهیم ریشه تاریخی این تغییرات را بحث و بررسی کنیم، ناگزیر هستیم به تحولات ایران از عصر مشروطه به بعد که سرآغاز تغییرات اجتماعی محسوب می‌شود، نگاهی داشته باشیم. جامعه ایرانی از عصر مشروطه که با فرایند نوسازی نهادی و اجتماعی مواجه شده است، این نو شدگی و عدم سنخیت آن با ارزش‌ها و فرهنگ اجتماعی و ساختار اجتماعی، منجر به تغییرات اجتماعی منفی گردیده است. با ورود فرایند نوسازی به جامعه کارکرد بسیاری از هنجارهای اجتماعی دچار دگرگونی شده است. ورود اندیشه‌های جدید و نوآوری‌های تازه و مهمتر از همه قانونمند شدن جامعه، نیروها و نهادهای نوینی را به جامعه تزریق نمود که جایگزین سازوکارهای قدیمی شد، به طوری که برخی هنجارهای سنتی یا به طور کامل از بین رفته و یا کارکرد برخی از آنها کم‌رنگ‌تر شده و یا کارکرد آنها تغییر پیدا کرده است. «رابرت مرتن» در این باره از مفهوم «بی‌کارکرد» استفاده می‌کند. مرتن مفهوم بی‌کارکرد را به عنوان عملکردهایی که برای یک نظام دزدی را دوا نمی‌کنند، مطرح کرد. از این رو جامعه نیازمند سازوکارهای متناسب با شرایط جامعه و مبتنی بر مقتضیات

بومی است.

اگرچه ورود نوسازی به ایران سعی در قانونمند کردن اجتماع داشت، اما بخاطر عدم تناسب و وارداتی بودن در تعارض با هنجارهای سنتی قرار گرفته است و همین سازوکارهای قدیمی گاهی مانع از اجرای سازوکارهای نهادی و قانونی شده و به مثابه یک عامل منفی، کارکردهای ناخوشایندی را برای نهادهای اجتماعی در پی داشته است و همچنین وجود فرهنگ‌های مختلف با سطح توسعه ناهمگون، به یک اندازه جریان تغییرات اجتماعی را تجربه نمی‌کنند، تأخر و تقدم در این گذار و ناهماهنگی بین ساختارهای اجتماعی استان‌ها، اقوام و خرده‌فرهنگ‌ها، تغییرات ناموزون و متقابل با یکدیگر، تضاد، تناقض را ایجاد می‌کند. «اسملسر» در نظریه نوسازی خود، یکی از دلایل تغییرات اجتماعی منفی و سلبی را، قدم گذاشتن نهادها در جریان توسعه و نوسازی و عدم ادغام و انسجام بین آنها به سبب تضاد ارزشی و هنجاری می‌داند. برحسب نظریه و رویکردهای فوق‌بلید گفت که تنوع خرده‌فرهنگی و هنجارهای خاص آن، می‌تواند یکی از عناصری تلقی شود که در عدم همسویی با تغییرات اجتماعی مؤثر بوده است. جامعه ایرانی، مطابق نظریه اسملسر گذار از دوران ایلیاتی، ملوک‌الطوایفی و نظام مناسبات مبتنی بر ایل، تبار و خرده‌فرهنگ‌های قومی به سمت یک جامعه پسا قومی، سیاستی نظام نسبتاً مدرن را در نیم‌قرن اخیر تجربه نموده است. به تبع جامعه‌ای با همچنین خرده‌فرهنگ‌های جغرافیایی، نوسازی نامتوازن، سبک زندگی متغیر و پیوند آن با سبک زندگی نوین، باعث شده است که اجتماع در این گذار، دچار تعارض‌های رویکردی و بی‌تعادلی گردد و این امر تناقض و مسئله‌وار بودن خود را در سبک زندگی، عقاید، باورها و نظام ارزشی و در نهایت در ترجیحات اجتماعی به نمایش می‌گذارد.

منابع

- ازکیا، مصطفی و غلامرضا، غفاری (۱۳۸۶)، *جامعه‌شناسی توسعه*، تهران: کلمه.
- آزاد ارمکی، تقی (۱۳۹۴)، *جامعه‌شناسی فرهنگ*، تهران: نشر علم.
- پژوهشگاه فرهنگ، هنر و ارتباطات (۱۳۹۵) *طرح ملی ارزش‌ها و نگرش‌های ایرانیان*، گزارش کشوری، دفتر طرح‌های ملی.
- شورای اجتماعی کشور (۱۳۹۴)، *وضعیت مسائل و آسیب اجتماعی در کشور*، تهران.
- کریمی، علیرضا (۱۳۹۴)، *وضعیت مسائل و آسیب‌های اجتماعی*، در کشور، به سفارش: مرکز ملی رصد

- اجتماعی شورای اجتماعی کشور، تهران: پژوهشگاه فرهنگ، هنر و ارتباطات.
کریمی، علیرضا (۱۳۹۴)، *وضعیت مسائل و آسیب‌های اجتماعی در کشور*، به سفارش: مرکز ملی رصد اجتماعی شورای اجتماعی کشور، تهران: پژوهشگاه فرهنگ، هنر و ارتباطات.
لرنر، دانیل (۱۳۸۳)، *گذر جامعه سنتی، نوسازی خاورمیانه*؛ ترجمه غلامرضا خواجه سروری، تهران: پژوهشکده مطالعات راهبردی.
مور، ویلبرت (۱۳۸۱)، *تغییر اجتماعی*، ترجمه پرویز صالحی، تهران: انتشارات سمت.
مور، ویلبرت (۱۳۸۱)، *تغییر اجتماعی*، ترجمه پرویز صالحی، تهران: انتشارات سمت.
واگو استفان، (۱۳۷۳)، *درآمدی بر تئوری‌ها و مدل‌های تغییرات اجتماعی*، ترجمه احمد غروری زاد، تهران: موسسه انتشارات جهاد دانشگاهی
وثوقی، منصور و حسین، اکبری (۱۳۸۷)، *روندها و عوامل مؤثر بر تغییر ارزش‌ها*: یک مطالعه تطبیقی، تحلیل اجتماعی نظم و نابرابری، شماره ۵۹، تابستان، ص ۹۳-۱۲۸.
وزارت کشور (۱۳۹۷) *پیمایش سرمایه اجتماعی*، سازمان امور اجتماعی کشور
وزارت کشور و وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی (۱۳۹۵) *پیمایش ملی بررسی وضعیت فرهنگی*، اجتماعی و اخلاقی جامعه ایران.
Bilsky, W., & S. H. Schwartz(1994), *Values and Personality*, European Journal of Personality, N. 30 (1994), p. 163-181.
Braithwaite, V(1998), *The value balance model of political evaluation*, British Journal of Psychology, 89, 223-247.
Dryzek, J.S., & Braithwaite, V(2000), *On the prospects for democratic deliberation: Values analysis applied to Australian politics*. Political Psychology, 21, 241-266.
Sagiv, Lilach & Schwartz Shalom. H (2000), *Value priorities and subjective well-being: direct relations and congruity effects*, European Journal of social psychology, Eur. J. Soc. Psycho. 30 , 177- 198.
Schwartz, S.H(1992), *A Theory of Cultural Values and Some Implications for Work*, *Applied Psychology: An International Review*, 48, p. 23-47.